

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره ششم - شهریور ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۲

شباهتها و تفاوت‌های فکری سفرنامه‌های روحانی پیش و پس از اسلام بر مبنای

ارداویرافنامه و معراجنامه، بررسی موردی جایگاه زن

(ص ۱۰۲-۸۷)

عصمت خیبری^۲، جهانگیر صفری^۳ (نویسنده مسئول)، احمد امین^۴

تاریخ دریافت مقاله: آبان ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: اسفند ۱۳۹۷

چکیده

بین ایرانیان پیش و پس از اسلام تفاوت‌های فکری در زمینه‌های مختلف دیده می‌شود. با بررسی متون بجا مانده کهن و جدید میتوان به بخشی از این تفاوتها پی برد. ازجمله کتابهایی که به بین این دو دوره با مضمون مشترک نوشته شده‌اند، سفرنامه‌های روحانی ارداویرافنامه (۳۰۰م) و معراجنامه شاهرخی (۸۴۰هـ.ق) است. با واکاوی و بررسی محتوای درونی آنها میتوان به تفاوت‌های فکری ایرانیان در گذر تغییر دین پی برد. این مقاله به این بررسی میپردازد و به عنوان محور کار خود جایگاه زن را مورد مذاقه قرار میدهد.

کلمات کلیدی: معراجنامه، ارداویرافنامه، زن، ایران باستان، ایران پس از اسلام.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد (e.kheibari365@gmail.com)

۳- استاد دانشگاه شهرکرد (safari-j@lit.ac.ir)

۴- استادیار دانشگاه شهرکرد (amin@sku.ac.ir)

The similarities and differences between pre Islamic and Islamic spiritual travel base on Ardaviraf name and Miraj nama (the place of women)

Esmat Kheibiri^۱, Jahangir Safari^۲, Ahmed Amin^۳

Abstract

There are different ways of thinking in different areas between pre-Islamic and post-Islamic Iranian. Through considering the existing text from ancient times and modern times, some of the differences can be specified. Ardaviraf-nameh (300 C.E.) and Mi'râj Nâma (9 AH) are two spiritual travel books which have been written between these two era with similar content. Through considering the content of these two books, the different ways of thinking of the Iranian during the period of religious transition can be specified. The present study aims at considering this process and tries to concentrate on the role of women.

Keywords: Mi'râj Nâma, Ardaviraf-nameh, Women, Ancient Iran, Post-Islamic Iran.

1- PhD student of Persian language and literature of Shahrekord University (e.kheibari365@gmail.com)

2- Professor at Shahrekord University (safari-j@lit.ac.ir)

3- Assistant Professor at Shahrekord University (amin@sku.ac.ir)

۱- مقدمه

در مباحث مربوط به تاریخ تفکر و تمدن‌ها، فرهنگ و تمدن اسلامی، جایگاه ویژه ای دارد. اسلام نه تنها به عنوان یکی از ادیان بزرگ الهی حایز سهمی بسزا در تحولات تاریخ بشری است، بلکه به واسطه نگاه ویژه به اجتماع و زن، حضور پررنگی را در عرصه تاریخ جهان به خود اختصاص داده است. سادگی و سهولت احکام اولیه اسلامی در مقایسه با آداب و تشریفات آیینهای هم عصرش، همچنین برخی تشابهات با سایر ادیان توحیدی در احکام، عبادات و مفاهیم مذهبی مربوط به جهان پس از مرگ، نقش مهمی در جذب افراد به اسلام و توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی داشت. هانری ماسه، سهولت مراسم مذهبی در اسلام را در مقایسه با مراسم دشوار مذهب زرتشت، از عوامل قبول اسلام در شهرها و بویژه در ایران میدانند. (تمدن اسلامی، ماسه: ص ۲۴۷)

تعالی در نگرش میان دنیا و عقبی و نیز توجه به اجتماع و خانواده، از دیگر ممیزات در خور توجه فرهنگ و تمدن اسلامی است. با توجه به این امر، در این مقاله، به بررسی شبهات و تفاوت‌های فکری سفرنامه‌های روحانی پیش و پس از اسلام بر مبنای ارداویراف نامه و معراجنامه پرداخته ایم. ارداویراف نامه به عنوان اثر ارزشمند در حوزه ادبیات دینی زرتشتی و معراجنامه، سفرنامه دینی اسلامی، به منزله دو منبع دینی پیش و پس از اسلام شناخته شده است و جایگاه و ارزش زن در آنها، بررسی میشود.

برخوردار بودن انسان از قوه تخیل، تلاش او برای فرار از محدودیتهای بشری و پاسخ‌گویی به بسیاری از دغدغه‌ها و پرسشها، او را به تفکر ماورایی واداشته است که یکی از مجاری آن، خلق سفرنامه‌های روحانی و آن جهانی است که ادبیات جهان به هر رنگ و زبانی، نمونه‌ای از آن را بروز داده است. در ادبیات ایران نیز، از این مقوله شاهکارهایی وجود دارد که خود در شکل‌گیری و حتی روند این سیر و سیاحت در ادب اروپا بسیار تأثیرگذار بوده است. همچنانکه پیشینه کمدی الهی دانته را در آثاری چون ارداویرافنامه و معراج حضرت رسول صلی‌الله علیه و سلم جستجو کرده‌اند (ر.ک. نردبان سلوک، اوجاق علیزاده: ص ۸۱).

نظریاتی که درباره چگونگی پیدایش جهان چه در اساطیر و چه در کتابهای دینی و چه در کتابهای فلسفی عنوان شده است، عاری از جنبه‌های تخیلی نیست. پیداست که هرچه بیشتر به گذشته تاریخ بشر بازگردیم، تبیین امور ناشناخته، خیال‌انگیزتر، غیرعقلانیت‌ر و غیرتجربیت‌ر، و حوزه امور ناشناخته نیز وسیعتر است. «پس عقل و تخیل وحی که سه منبع دریافت معرفت برای انسانند، با جلوه‌های فرهنگی خود به صورت ادیان آسمانی و اساطیر و افسانه‌ها و شعر و ادبیات و نیز فلسفه از زمانهای قدیم برای انسان باقی مانده است» (رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان: ص ۳۳) و از این میان، تخیل، عرصه‌ای

گسترده پیش روی ادیبان و عارفان فراهم کرده است، تا ایشان برای فرار از محدودیت‌های جسم و اتصال به بیکران از مرکب خیال خویش بهره برده و به آفرینش آثار بزرگی دست بزنند.

یکی از بسترهای مناسب برای این تخیل پردازی، سفرهای روحانی ماورایی است که نه تنها در ادبیات ایران؛ بلکه در ادب و عرفان بسیاری از کشورها دیده میشود. در ادبیات اسلامی، نمونه‌های بسیاری از این سفرنامه‌های روحانی وجود دارد که از دیدگاه‌های مختلف قابل بررسی و توجه است.

در توضیح کلیات ذکر شده، میتوان سیاحت‌های روحانی یا ماورایی را به سه نوع تقسیم کرد:

الف) سفر دینی-مذهبی

ب) سفر فکری-فلسفی

ج) سفر تصوفی-عرفانی.

دسته اول با ذهنیتی شریعتمدار بر پایه اصول دینی استوار است. یکی از بهترین نمونه‌های آن در ادبیات پهلوی، معراج ارداویرافنامه، مصلح و روحانی زرتشتی است که سفری خیالی به دوزخ، برزخ و بهشت داشته است که بعد از بازگشت آنچه را که مشاهده کرده است بازگو میکند. پژوهش حاضر به بررسی سفر روحانی زنان در دو سفرنامه ارداویرافنامه و معراجنامه میپردازد، لذا سؤال اساسی‌ای که پیکره پژوهش حاضر را تشکیل میدهد این‌گونه مطرح میگردد که جایگاه و ارزش زن در این دو سفرنامه روحانی کجاست؟

۲- پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی جایگاه و ارزش زن در دو اثر ارداویرافنامه و معراجنامه پژوهشی مستقل نگارش نیافته است؛ در کتب و مقالات مورد بررسی، تنها به بخشی از موضوع یعنی سفر روح به جهان آخرت و ویژگیهای آخرت در سفرنامه‌های روحانی تأکید شده است؛ از جمله این منابع به موارد زیر میتوان اشاره نمود:

- مری بویس (۱۳۸۱) در کتاب «زرتشتیان، باورها و آداب دینی آنان» از مرگ و آخرت سخن رانده است.

- مهدی رضایی (۱۳۸۳) در کتاب «آفرینش و مرگ در اساطیر»، در خصوص مرگ و جهان پس از مرگ، نقطه نظراتی را بیان نموده است.

- سیما سلطانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «گناهان زنان در ارداویرافنامه»، به موضوع گناهان، مجازات و نقش و جایگاه زنان در این اثر به صورت اجمالی توجه کرده است.

- محسن کدیور (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «حقوق زنان در آخرت» به بررسی و تبیین جایگاه و موقعیت زنان در آخرت، از دیدگاه اسلامی با توضیح نقش جنسیت آنان در قیامت پرداخته است.

۳- روش و ضرورت تحقیق

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. درباره تفاوت‌های فکری آثار پیش و پس از آن، تحقیقات گسترده و مدونی صورت گرفته و ضرورت دیده میشود تا بررسی جامعتری در این حیطة انجام شود.

۴- معرفی سفرنامه های روحانی

در این پژوهش دو سفرنامه روحانی ارداویراف نامه و معراجنامه مورد بررسی قرار گرفته اند که ابتدا گزارش مختصری درباره اینگونه ادبی و در ادامه به صورت جداگانه جایگاه زن در دو اثر مذکور، ارائه میگردد.

۴-۱- معراجنامه شاهرخی (میرحیدر)

در لغتنامه دهخدا ذیل معنای معراج چنین آمده است: نردبان، مصعد، معرج، ج معاریج؛ نردبان، جای بالا رفتن و بلند گردانیدن؛ خروج و صعود بر آسمان که ویژگی پیامبر اسلام بوده؛ عروج پیامبر اسلام به آسمان و آن بیست و ششم ماه رجب بوده است (لغتنامه، دهخدا: ص ۷۱۱). در مقابل کلمه اسراء آمده است: اسراء: به شب راه رفتن، زیر در شب کردن به سیر در آوردن کسی را، معراج محمد بن عبدالله (فرهنگ معین، معین: ص ۲۶۵). در ادبیات اسلامی-عرفانی عنوان معراج یادآور سفر شگفت‌انگیز و معجزه‌آسای خاتم رسولان حضرت محمد مصطفی(ص)، به بارگاه کبریایی حضرت حق است. سفر معنوی سرسلسله اقطاب عالم جان، نبی مکرم اسلام که سفیر پروردگار بود و با صغیر ربانی خویش شریعت را به بندگان حق نمود و راه طریقت پیمود و به حقیقت پیوست؛ والاترین مطلوبی که اولین نور آفرینش بود و سوار بر براق سیر ارضی ذکر و رفر سیر سماوی فکر به سوی اعلی‌علین پرواز نمود و به مقام قاب قوسین او ادنی رسید و با معراج اندیشه پرواز را به امت خویش آموخت.

بی‌تردید پیشینه معراج و سابقه سفرنامه‌های روحانی و سفرنامه‌های درونی به زمانهای پیش از معراج پیامبر میرسد؛ اندیشه دیر پای که شاید قدمت آن به زبان آفرینش روح آدمی و قرار گرفتن آن در قالب جسم برسد. اولیه اندیشه‌ها و خیالهای بشر برای رها شدن از تنگنای زندگی مادی، معراج است؛ از این رو نمیتوان برای معراج انسان سابقه تاریخی جستجو کرده؛ اما نکته بسیار مهم این است که موضوع معراج انسان با توجه به اهمیتی که در تبیین اندیشه و شری در سفرهای روحانی او دارد و ادبیات مخصوص به خود را به وجود آورده است و آثاری مستقر در ادبیات ایران و جهان، محسوب میشود.

معراجنامه شاهرخ (میر حیدر)، یکی از باشکوه‌ترین نسخ خطی با موضوع معراج پیامبر (ص) مربوط به نیمه اول سده ۹ هجری قمری، که علاوه بر روایت تصویری عروج، یادآور رویدادی تاریخی هم هست معراجنامه‌ای محفوظ در کتابخانه ملی پاریس میباشد که میرحیدر شاعر و نامه‌نگار دربار، در سال ۸۴۰ هجری قمری به دستور شاهرخ تیموری از عربی به ترکی ترجمه کرده و مالک بخشی هراتی آن را به خط او یغوری کتابت کرد. این نسخه بزرگ با ۲۶۵ صفحه دارای ۶۱ نگاره است و داستان سفر معجزه‌آسای پیامبر اسلام در شب معراج را به همراه تصاویری از جبرئیل و فرشتگان دیگر و صحنه‌هایی از بهشت و دوزخ به صورت پی‌درپی به نمایش می‌گذارد. این اثر برای دومین امیر تیموری، شاهرخ، در سال (۱۴۳۶-۱۴۳۵/۸۴۰-۸۳۹) نقاشی شده است. «نقاش آن که از نقاشان دربار بایسنقر بوده در نگاره‌های آن نهایت مهارت فنی و ظرافت کار خود را نشان داده است.» (سیر و صور نقاشی ایران، پوپ: ص ۴۳)

این نسخه یکی از سه نسخه برجسته باقی مانده از مکتب هرات در فاصله بین دوره بایسنقر و بهزاد است که دو نسخه دیگر، خمسه نظامی و شاهنامه است. «این مجموعه دستاورد روزگاری است که روحیه اسلامی و عرفانی در جان و دل مسلمانان می‌جوشید و چشمه‌های خلاقیت هنری سرشار بود.» (نگارگری اسلامی، عکاشه: ص ۱۸۸)

در این معراجنامه پیامبر سفر خود را در مکه شروع و از آنجا به وسیله براق در حالی که جبرئیل ایشان را همراهی میکند به سوی مسجدالاقصی طی مسیر میکند. در این مسجد پیامبر از نقاط مختلف مسجد، بیت اللحم، زادگاه حضرت مسیح (ع) و همچنین منازل و جایگاه انبیا دیدن کرده و در بعضی مکانها دو رکعت نماز می‌خواند. این وقایع، بخش اول سفر ایشان را تشکیل میدهد. در قسمت دوم سفر، پیامبر (ص) از بیت المقدس به آسمانها سفر کرده و با ارواح و فرشتگان آسمانی و پیامبران سخن گفته و در بهشت و جهنم، درجات مختلف افراد بهشتی و جهنمی را مشاهده میکند و به رموز هستی و اسرار جهان آفرینش و آثار قدرت خداوند نایل میشود و تا سدره المنتهی، مقام قرب الهی پیش میرود. آنجا پایان سفر است. پیامبر از این نقطه باز میگردد و ابتدا در مسجدالاقصی فرود آمده و سپس به مکه بر میگردد.

معراج در این اثر دارای مراحل و مراتبی است که تصویر گران نسخه خطی معراجنامه شاهرخ، به این موضوع توجه داشته و تمامی مراحل را با ظرافت، به تصویر کشیده اند که نسخه‌ای از همین کتاب توسط ماری رزسگای با توضیحات اضافی در زیر تصاویر و برداشت‌های نویسنده از هر تصویر، نگارش یافته و توسط ریچارد پیویر از فرانسه به انگلیسی ترجمه شده است که مهناز شایسته فر نیز به ترجمه فارسی اثر ماری رزسگای

پرداخته و در سال ۱۳۸۵ به طبع رسیده است. در ترجمه فارسی اثر مذکور، توضیحاتی توسط مترجم در پاورقی جهت فهم دقیق مطالب آورده شده است.

معراج پیامبر اسلام یکی از برجسته‌ترین سفرهای عرفانی است که روحانی یا جسمانی بودن آن تغییری در عظمت این تجربه الهی ایجاد نمی‌کند. این واقعه که از همان ابتدا بسیار مورد توجه واقع شده و بسیاری به شرح و تفصیل آن پرداخته‌اند، عظیم‌ترین و کامل‌ترین خروجی است که نوع انسان آن را تجربه کرده است و علت این امر نیز کمال روحی تجربه کننده آن است که معراج پیامبر اگرچه تجربه‌ای بسیار متعالیتر از تجربه دیگر انسانهاست اما از آنجاکه ایشان به حکم آیه «أنا بشر مثلكم در فطرت با دیگر انسانها مشترک اند مضامین مشترکی میان معراجنامه‌های پیامبر و دیگر آثار مشابه وجود دارد؛ مضامینی که ناخودآگاه جمعی نوع بشر انباشته از آن است.

۲-۴- ارداویرافنامه

معراج سفری است با مراحل ویژه که نشان‌دهنده مراحل سیر آدمی در طلب اسرار و مکنونات و معارف الهی در شکلی فلسفی و عرفانی است. شباهت موضوع به این آثار مشترک است ولی اختلاف در زبان و شیوه آموختن تنها تفاوت بین آموزه‌های تعلیمی بزرگان است. معراجنامه یکی از انواع ادبی است که در دو گونه نظم و نثر به شرح دریافته‌های عرفانی و متعالی شاعر و نویسنده می‌پردازد. سفر به دنیای درون و کشف ناشناخته‌ها که به تأویلی، سفر از خودآگاهی به ناخودآگاهی و انکشاف لایه‌های پنهانی این بخش از روان محسوب می‌شود، درونمایه کهن‌الگوی بسیار از انواع ادبی از جمله سفرنامه‌های عرفانی است که به نوعی میتوان آن را معراج نامه نامید و شرح آن به‌ویژه در آثار بسیاری از اهل معرفت، از جمله کشف‌الاسرار روزبهان بقلی شیرازی، التوهّم حارث محاسبی و غیره آمده است. نمونه‌ای از کهنترین آثار این گونه برجسته ادبی ارداویرافنامه است که به شرح سفر قدیسی ارداویراف نام به عالم عقبی و توصیف وضع و حال روانهای درگذشتگان می‌پردازد.

ارداویراف (ارداویراز نامه) یکی از آثار ارزشمند مزدیسنی به فارسی میانه (پهلوی ساسانی) است که هر چند زمان نگارش آن متاخر است، اما یکی از بهترین آثار دوره ساسانی درباره اعتقاد به بهشت و دوزخ و جهان پس از مرگ در ایران باستان به شمار می‌رود؛ شرح سفر روحانی موبدی پارسا به جهان دیگر و مشاهدات او از دنیای پس از مرگ به زبان ساده و در عین حال جذاب در آن وصل گردیده است که چنانچه برخی آن را کمدی الهی ایرانی نام نهاده‌اند. ارداویرافنامه، به‌عنوان نمونه عالی و مقدم سفرنامه‌های روحانی، اثری ممتاز است؛ چنانچه « بین آثاری که به‌عنوان منابع دانته نام می‌برند،

معراجنامه پیامبر (ص) و بیش از آن ارداویرافنامه مطرح شده است» (دانته و تأثیرپذیری او از منابع شرقی، آذر: ص ۲۶).

ارداویرافنامه، از منابع مهم برای پی بردن به تفکر درباره جهان دیگر در روزگار باستان به حساب می‌آید. ارداویراف، یک موبد زرتشتی است که سفری خیالی به جهانی دیگر دارد و اثر او گزارشی از کشف و شهود خیالی است. نکته قابل تأمل در این اثر که یادآور عدالت الهی در ادیان است، تناسب عذاب با اعمال است که فرد در دنیا مرتکب شده است. موضوع ارداویرافنامه شرح مسافرت مردی مقدس به نام ارداویراف به در برزخ، بهشت و دوزخ با راهنمایی ایزد آذر و ایزد سروش به عنوان پیام‌آور از سوی هم‌کیشانش است. او از طبقات بهشت و دوزخ دیدار میکند و از احوال نیکوکاران و گناهکاران در آنجا باخبر میشود و نیکوکاران را به تناسب اعمال پسندیده‌ای که انجام داده‌اند در مدارج مختلف بهشت و گناهکاران را بنا بر مراتب زشتکاری ایشان در طبقات دوزخ به عذابهای گوناگون مشاهده میکند. شخصیت اصلی داستان نیز در سفر به جهان پس از مرگ به دنبال علت قرار گرفتن روان مردگان، چه در بهشت و چه در دوزخ می‌گردد و در هر مرحله‌ای از راهنمای خود در این باره سؤال میکند.

۱-۲-۴ جایگاه زن در طول تاریخ و ادیان

مسئله زن و جایگاه او، از جمله مسائل و موضوعات پیچیده جدی و درعین حال دردآوری است که از قرن‌ها پیش توجه فیلسوفان و اندیشمندان اجتماعی را به خود معطوف کرده است. «در دنیای باستان اگر از پیامبران الهی و نیز از اندیشمندان اجتماعی انگشت‌شماری چون افلاطون بگذریم، سایر مردمان و حتی بزرگترین روحانیان و موبدان مذاهب، نظر مساعدی نسبت به زن نداشته و تقریباً جملگی زن را موجودی حیوانی و اهریمنی به شمار می‌آوردند» (حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، حکیم پور: ص ۳۸۵).

وضعیت زن از بدو پیدایش اجتماعات بشری تاکنون، روبه بهبود رفته و جایگاه و ارزش زن بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

تعالیم زرتشت، بشر را در راه رسیدن به عالیترین مدارج روحانی یعنی فراهم نمودن و تسریع ظهور منجی و غلبه نیکی بر بدی هدایت میکند. گیگر، دانشمند بزرگ آلمانی، در کتاب «تمدن ایرانیان خاوری» اذعان نموده است که یکی از خصوصیات موقعیت حقوقی زن و برابری او با مرد در دین زرتشت آن است که مرد پس از زناشویی به لقب «نمان پیتی» یعنی سرور و کدخدای خانه و زن نیز، به لقب «نما توپیتی» یعنی نور و فروغ خانه ملقب میگشت. به عبارت دیگر، مرد کدخدا و زن کدبانوی خانه بود (ر.ک. تمدن ایرانیان، گیگر: ص ۱۳۲). در واقع، زن کنیز و برده مرد نبود؛ بلکه همسر، همدل و همراه وی و در کلیه حقوق با وی شریک بود. کریستین سن، خاورشناس دانمارکی، اذعان میکند که «رفتار

مردان نسبت به زنان در ایران باستان همراه با نزاکت بود. زن چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی اجتماعی از آزادی کامل برخوردار بوده است (ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن: ص ۲۱۷).

زن زرتشتی در قرن اولیه ظهور زرتشت و نیز در زمان هخامنشیان از بیشترین حقوق متعالی برخوردار بود و یکی از درخشانترین ادواری تاریخی خود را میگذراند. در ادامه این روند در زمان ساسانیان، زن ایرانی تحت تعالیم مذهب زرتشت حقوق و امتیازاتی بدست آورد. از کارنامه اردشیر بابکان که یکی از آثار ارزشمند این دوره است چنین برمیآید که شخصیت زن از همان آغاز کار ساسانیان محترم شمرده میشد و هیچکس حتی پادشاه، نمیتوانست به میل خود زنی را مورد آزار قرار دهد (ر.ک. کارنامه اردشیر بابکان، مشکور: ص ۳۲).

بارتلمه، شرقشناس آلمانی، در کتاب «حقوق زن در زمان ساسانی» مینویسد دختر در انتساب همسر آزاد بود و اجباری نداشت مردی را که پدرش برای او در نظر گرفته، به همسری قبول کند و پدر حق نداشت او را از ارث محروم نماید و یا تنبیه دیگری درباره‌اش اعمال کند (ر.ک. حقوق زن در زمان ساسانی، بارتلمه: ص ۲۳۰).

آثار دوره ساسانی و پیش از آن، نمایانگر ارج و اهمیت زن ایرانی در آن دوران است. زن و مرد، هیچیک بر دیگری برتری نداشته‌اند و هر دو از نظر آفرینش یکسان‌اند. بنابراین، در این دوره نهاد خانواده دارای اهمیت زیادی بود؛ به طوری که حقوقدانان این دوره با تصویب و اجرای قوانین مختلف سعی در حفظ و استحکام این نهاد داشتند. ساختار نهاد خانواده عمودی بود، مرد یا پدر در رأس خانواده قرار داشت و زن یا کدبانو در مرتبه پایینتر قرار داشتند. زن در خانواده، کدبانوی خانه محسوب میشد و کلیه امورات مربوط به داخل خانواده توسط وی انجام میشد. در جامعه نیز، زنان نقش فعالی داشتند و به امور اقتصادی و غیراقتصادی میپرداختند (ر.ک. بررسی وضعیت زن در خانواده و جامعه دوره ساسانی، گلشنی‌راد: ص ۱۱۸).

با بررسی موقعیت و مقام زن از دیدگاه «اوستا»، کتاب مقدس زرتشتیان، درمی‌یابیم که زن و مرد همیشه در کنار یکدیگر آمده‌اند و هر صفت نیکی که به یکی از دو جنس متعلق است به آن دیگری نیز استناد داده شده است. «عباراتی چون "زنان و مردان پارسا" و "مردان نیکوکار و زنان نیکوکار" مکرر در اوستا به کار رفته است که همدوشی این دو را، در نهاد خانواده و نمودهای اجتماعی میرساند» (مبانی تاریخ اجتماعی ایران، شعبانی: ص ۱۷). با توجه به سیستم خانواده در آن دوره، که مبتنی بر پدرسالاری بود، زن موظف بود از شوهر خود فرمانبرداری کند؛ ولی این مسئله به معنای بردگی و عدم شخصیت اجتماعی و حقوقی آنان نبود.

۳-۴- جایگاه زن در سفرنامه‌های روحانی منتخب

در بررسی ارزش و جایگاه زن در آثار مذکور، جایگاه زنان را دو دسته مثبت و منفی تقسیم نموده‌ایم که در ادامه به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

الف) جایگاه مثبت زن

در ارداویراف نامه، زن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آموختن و کسب دانش از مهمترین ویژگیهای مثبت در تعیین جایگاه زنان در ارداویراف نامه بشمار میرود. در این اثر جایگاه منفی زن مورد توجه نبوده است.

* توانایی تحصیل و خواندن و نوشتن

آنچه در ارداویرافنامه مورد توجه است، حضور زن، زن اهلو (پرهیزکار، درستکار، صالح) و زن دروند (ناپاک، بد، گناهکار) است. نخستین ارزشی که برای زن در این اثر دیده میشود، توانایی خواندن و نوشتن است. در ابتدای متن ارداویرافنامه، از هفت زن سخن به میان آمده است. هر هفت زن، خواهران ارداویراف هستند که به آیین مقدس خویدوده (khoidodeh / ازدواج با نزدیکان) درآمده‌اند. در مورد این جایگاه همین بس که بنا بر اقرار متن ارداویرافنامه «دین را از بر و یشت کرده بودند» (ارداویرافنامه، ژینو: ص ۴۶). آموزگار، مترجم کتاب ارداویرافنامه، دین را به معنای اوستا گرفته است. به عبارت دیگر، این هفت زن امکان آن را داشته‌اند تا اوستا را بدانند و در آیینهای دینی، یشت بخوانند. همین عبارت، ارزش والای زن در چنین اثری را تثبیت میکند، این امر در حالی است که در جوامع دیگر، زن بیعقل و نادان پنداشته میشده است.

نویسنده کتاب «حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران»، فهرستی از حضور زنان در بهشت و دوزخ ارداویرافنامه را به دست میدهد که نشان از آن دارد که مردان بیشتر از زنان و به انواع متفاوتتری در بهشت و دوزخ دیده میشوند و اینکه گناهان و شیوه متنبه شدن آنان یکنواختتر و بیشتر مبتنی بر جنسیت آنان است (حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، دفتر پژوهشهای فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی-سینمایی: ص ۳۲)؛ به عبارت دیگر «زنان را رفتار جنسی درست یا نادرست به بهشت و دوزخ میبرد و مردان را، مشاغل و قدرت خوب و ناخوب آنان» (زن در خانواده ایران باستان، آموزگار: ص ۱۰۸).

* تجلی اعمال نیکوکاران به شکل دوشیزه

اگرچه از جنبه کمیت که بنگریم، در هنگامه بهشت و دوزخ ارداویرافنامه، زنان کمتر از مردان دیده میشوند؛ اما در همان اولین قدمهای ویراز بر چینود پل (پل جداکننده روان پرهیزگاران از روان گناهکاران) نمونه‌ای از اهمیت زن در این اثر نمودار میگردد. روان پرهیزگاران، دین و کنش خویش را به صورت «دوشیزه‌ای نیکودیدار و خوش رسته» میبینند که «به تقوا رسته بوده باشد، فرازپستان، که او را پستان باز {نه} نشست {و} پسند دل و

جان {بود} که او را تن چنان روشن که دیدار {ش} دوست‌داشتنی‌ترین {و} نگرستن
بایسته‌ترین {بود} «(ارداویرافنامه، ژینو: ص ۵۳)

به پاس نیکبهایی که مرد اهلو در جهان مادی کرده است، اینک راهنمای وی به جهان
مینوی، دوشیزه‌ای است چنین زیبا و فرهمند. از سوی دیگر، روان بدکاران، نتیجه
بدکرداریهای خود را در جهان مادی، باز به هیبت زنی روسپی میبینند که برهنه است و
بدبو، با بلغم بیحد و اندازه، همچون ناپاکترین و بدبوترین خرفستری (حیوان موذی، حشره
زیانکار. مکنزی) که زبان رساننده‌ترین است (همان: ص ۶۸). به عبارت دیگر، نتیجه نیکي
و بدی در آن جهان هر دو به شکل و هیبت زن جلوه میکند، دوشیزه‌ای زیبا و دل‌انگیز یا
زنی روسپی و متعفن که شاید بیان‌کننده این نکته باشد که شقاوت و سعادت مردن در
آخرت نیز، در ساختار وجودی زنان و سیما و اعمال آنها متجلی و آشکار میشود.

* مادر بودن و پرورش فرزند

مادر، بارزترین نشانه آسایش و عالیترین منبع سعادت خانوادگی است. کامروایی در
خانه، احساس امنیت و آرامش در آن، و احساس قدرت و استقلال کودکان به وجود مادر
وابسته است. همچنین «در جنبه ساختن فرزند و نیز در انتقال صفات ارثی، سهم او بیشتر
از پدر است و نقش رحم در رنگ دادن و شکل دادن جنین بااهمیت است» (زن از دیدگاه
ادیان و مکاتب، جمعی از مؤلفان: ص ۶۱).

* زایایی و قدرت زایش و آفرینندگی زن

مصدر "زادن-زاییدن" که به معنای فرزند آوردن و به وجود آوردن است، از ریشه زان
گرفته شده است. زایش و به دنیا آوردن موجودی چون خود، کاری است که از دست
مردان برنمیآید، براین اساس است که ما به خدایان زن فراوانی در دنیای کهن برمیخوریم.
«در تمامی فرهنگها و باورها، زمین خدایی مؤنث و مادر تصور شده است» (تاریخ تمدن،
دورانت، ج ۴: ص ۵۸).

* زراعت و کشاورزی زن

اقتصاد و ایجاد شرایط و زمینه‌های تکامل اجتماعی، در آن هنگام که در طول قرنهای
متوالی مردان با روشهای کهن به شکار اشتغال داشتند، زنان در اطراف خیمه زراعت
میکردند و با ایجاد هزاران هنر خانگی، پایه صنایع بسیار مهم را به وجود آوردند. پس با
توجه به ایفای نقش مثبت و مؤثر زنان در امر اقتصاد نمیتوان منکر نقش سازنده آنان در
تکامل اجتماعی شد. گروهی از باستانشناسان معتقدند که نخستین کشاورزان زن بوده‌اند.
اینکه امور زراعت منحصراً در اختیار زنان بوده است، تنها به این دلیل که قدرت جسمانی
شکار در آنان کم بوده نیست؛ بلکه «بیشتر از آنروست که تصور میشود مردان توان باروری
زمین را ندارند و این نیرو در اختیار زنان است، به همین دلیل گاه مردان زمین را برای

کشت آماده میساختند؛ ولی بذرافشانی تنها در انحصار زنان بوده است» (شاخه زرین، فریزر: ص ۴۶).

ب) جایگاه منفی زن

در این بخش به جایگاه منفی زن در معراجنامه خواهیم پرداخت و در این اثر، جایگاه مثبت زنان، مورد توجه قرار نگرفته است.

* زنان بی‌عفت

پیامبر (ص)، رنجهای زنان بی‌عفتی را مشاهده میکند که با گذاردن موی خود در معرض دید بیگانگان، موجب روابط نامشروع شده‌اند. زنان دارای اندامهایی بلند و کشیده و همچنین فربه و چاق هستند با چهره‌های گرد، ابروان کوتاه و صاف و چشمان و لبانی کشیده و بینی و پوست تیره‌رنگ قهوه‌ای با موهایی صاف و آویزان و باز شده از میله و به صورت نیمه عریان و پوششی از دامن که نیمی از آن در حال سوختن است و نیمه عریان تصویر شده‌اند، نشان داده میشوند. تمامی دوزخیان جوان هستند و در میان پیکرها تنها با یک شخصیت میانسال برخورد میکنیم. وضعیت چهره‌ها تمام‌رخ و سه رخ است و سن افراد جوان و پیر است. جهت نگاهها به سمت روبه‌رو چپ است. رنگ لباس در این نگاره روشن و سرد تصویر شده است و نژاد افراد تصویر شده مغولی است که دیوید ترسناک به رنگ قهوه‌ای تیره با کلاهی شبیه آتش از رنگ طلایی، دامنی قهوه‌ای‌رنگ و حلقه‌ای در گردنش و پاهایش با گریزی بلند قرمز رنگ در دست راست شوی رکود نظاره‌گر جبرئیل و حضرت محمد (ص) است. او چشمانی درشت و پلکهای سبزرنگ دارد، دهانش بزرگ است و آتشی از دهانش همانند ابرهای مواجه به سبک ابرهای چینی بیرون زده است.

* زنان سبک‌رفتار

پیامبر همچون آل و در طول فضایی تیره‌وتار، سوار بر براق است و فرشته او را راهنمایی میکند. او زانی با موهای ژولیده را میبیند. این زنان تاوان مسخره کردن دیگران را میدهند. آنان به خاطر رفتار هرزه و شهوت‌آلوده‌شان در مقابل شوهرانشان محکوم به شکنجه هستند (معراج نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر، رزسگای: ص ۱۳۷). قد و قواره زنان، باریک و کشیده‌اند و به صورت شخصیتهایی که دارای موهای صاف و آویزان‌اند و زبانه‌ایشان از قلاب آویزان‌اند، تصویر شده‌اند. جهت نگاهها به سمت بالاست. آنها دارای صورت گرد، چشمان و لبان کشیده و ابروان کوتاه و صاف و بینی پهن هستند. پیکرها نیمه عریان است و لباس فقط پایین‌تنه آنها را پوشانده است. رنگ لباس در این نگاره روشن و سرد است. رنگ پوست آنها تیره و قهوه‌ای است و تمامی پیکرها جوان هستند به جز دو پیکره موجود در نگاره. نگارگر در به تصویر کشیدن جهنمیان با زیرکی هم زنان جوان و هم پیر

آن را نمایش می‌دهند که به بیننده نشان دهند که گناه مخصوص قشر و سن خاصی نیست.

کیفری مختص زنان زناکار: در این نگاره پیامبر زنانی را مشاهده می‌کند که به خاطر بی‌حرمتی و بیوفایی به پیمان ازدواجشان در زندگی دنیوی، مجازات میشوند. به‌علاوه گناه این زنان، به دنیا آوردن فرزندان حرامزاده است و اینکه بدون اطلاع شوهرشان، کودکان نامشروع خود را تغذیه و تربیت کرده و آنها را مانند فرزندان قانونی وارث اموال میدانستند (همان: ص ۱۴۱).

قد و قواره در پیکرهای زنان به‌صورت باریک و کشیده به تصویر در آمده و چهره‌های آنان با صورتی چون قرص ماه، چشمان درشت و بینی پهن و لبان کوچک با پوست قهوه‌ای‌رنگ دیده می‌شود که در پلان سوم صحنه عذاب آنها را مشاهده می‌کنیم. اینگونه توصیف نیز، در چهره پیامبر و جبرئیل از همان سبک مغولی که در نگاره‌های بهشتیان بررسی شده، استفاده شده است و رنگ لباسها تیره و سرد تصویر شده‌اند و جهت نگاهها به سمت روبه رو است. یکی از دوزخیان پیر و بقیه پیکرهای مربوط به آنها در قالب شخصیت‌هایی جوان با موهایی باز شده و آویزان از چهارچوب قرمز رنگ به تصویر درآمده‌اند. تمام پیکرها نیمه‌عریان‌اند و دیو یا ملکه دوزخ که با پوست قرمز رنگ در پلان اول نگاره دیده می‌شود با صورت پهن و چشمان درشت است.

*زن و گناه

گناه آدم و حوا، یکی از مسائل بنیادین در مسیحیت است که اصطلاحاً «گناه نخستین» نامیده می‌شود. در عهد قدیم یکی از مهمترین بخشهایی که در این خصوص به آن استناد شده است، بخش سوم از سفر تکوین است که در آن، قصهٔ هبوط آدم آمده است. در این داستان، تنها به پیامدهای گناه آدم و حوا از جمله درد زایمان برای زن (۱۶/۳)، رنج و زحمت در کسب معاش (۱۷/۳) و مرگ (۱۹/۳) اشاره شده است.

در بخش دیگری از کتاب مقدس (رک. عهد عتیق، ج ۳: صص ۲۴-۱) از پیامدهای بد و ناگوار برای زن -پیامدهایی به‌غیراز درد زایمان، اشتیاق به شوهر، حکمرانی شوهر بر زن- به دلیل خطا در اطاعت از امر الهی و استفاده از میوهٔ ممنوعه، سخن گفته شده است.

گناهان زنان در ارداویرافنامه انواع متفاوتی دارد، بسیاری از آنها مستقیماً با زن بودن و جنسیت زنان مربوط می‌شود که عبارتند از: نخست، خیانت به شوهر و روسپیگری (که گناهی است که به فراوانی از آن یاد می‌شود و پادافرهی بزرگ در پی دارد). دوم، گناهانی است که به‌نوعی با مسئله دشتان (عادت ماهانه زنان) مرتبط است که و تخطی زنان از انبوه بایدونبایدهایی است که در این دوران بر زن می‌رود و او میبایست حرمت گذارد و خود را در این دوره چون موجودی ناپاک از مقدسات اعم از آتش، باران، خوراک و ارتباط با شوهر

دور بدارد. سوم گناه جادوگری که گاه در کنار گناهان مربوط به دشتان آمده است. این گناه از جمله گناهان خاص زنان است که ایشان را مطرود و ناموجه میسازد. چهارم گناه مادرانی است که از شیر دادن به نوزاد خود با میکنند گاه به دلیل سبک‌سری (آیا در آن زمان هم چون زمانه ما برخی از ایشان به تصور خوش‌اندام ماندن از شیر دادن دوری میکردند؟) و گاه به دلیل فقر چراکه شیر آنان خواهان بسیاری داشته و میتوانست مورد استفاده کودکان مرفه قرار گیرد. پنجم، گناه سقط جنین که از گناهان بزرگ ارداویرافنامه است. این گناه موجب میگشت مادران به شیوه‌ای احساسی و دردآور به مجازات برسند و با تمام جان از دوری فرزندی که خود عذابش را ثبت کرده آزار ببینند.

از دیگر گناهان زنان، گناهی است که در ارتباط ایشان با دیگران معنا میشود و به‌نوعی به جایگاه آنان در جامعه و به تعامل با مردان برمیگردد، این نوع از گناهان بویژه در ارتباط زنان با شوهرانشان رخ میدهد و بیش از آنکه به زنان بازگردد به مردان و تلاش ایشان در تثبیت موقعیت مردسالارانه خود در جامعه ساسانی مربوط میشود. در جنگ خاموش اما بی‌امانی که میان همسران آن جامعه در گرفته است و پادرمیانی مذهب البته به سود مردم محسوس و گاه غیرمنصفانه به نظر میرسد. زبان‌درازی با شوهر گناهی است و بویژه زنان، که در آن حرمت جایگاه مرد به عنوان آقای خانه نادیده گرفته میشود و زن را چون موجودی عاصی به بد زبانی و دشنام میکشاند. چنین زنی تن به هم‌خوابگی با شوهر نمیدهد و البته به پادافره انتقامجویان دچار میگردد. گناه دیگر که بیانگر عاصی‌گری است و نشان از بی‌اعتنایی برخی زنان آن دوره به مقدسات جامعه دارد، آراستن و رنگ بر خود نهادن است.

نوع دیگر گناهان زنان، گناهی است که ارتباطی به زن بودن زنان ندارد و بیشتر گناهی است دینی. اگرچه دستکم یک زن را میبینیم که تلاش میکند تا از خود سلب مسئولیت کند و گناه بی‌ایمانی خود را بر دوش شوهر بیندازد، استدلال وی بسیار هوشمندانه است و نشان میدهد که زنان آن عصر در جایگاه خود در جامعه تفحص میکرده‌اند و به آن انتقاد داشته‌اند. از جمله این نوع از گناهان دیگر گناهان مشترک با مردان است و گناهی که به لحاظ دینی هر مرد یا زنی میتوانند مرتکب شود چون دروغ گفتن و مردار خوردن و کشتن آفریده‌های اورمزدی.

در بهشت که در آغاز کتاب از آن سخن گفته میشود زنان بسیار حضور ندارند یا اگر هستند در انبوه روانهای روشن، جنسیت آنان پیدا نیست. اما به‌ویژه زنانی با اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک حضور دارند که شوهر خود را سالار داشته‌اند. این سالاری که کمتر امری دینی به نظر می‌آید، چون دستوری متفاوت برای رستگاری زنان صادر میشود دستوری که نشان از همدلی مردان و دین - مردان در تسلط بر زنان دارد. زنان بهشتی در

انجام دیگر فرمانهای دینی تفاوتی با مردان ندارند تنها این که میبایست از شوهران خود فرمان برند. آنان نیز چون مردان آب را، آتش را، زمین، گیاه، گاو گوسفند را خشنود کرده‌اند و ستایش ایزدان را به جای آورده‌اند پس چون مردان به بهشت رفته‌اند و در آنجا آرام گرفته‌اند.

۵- نتیجه‌گیری

سفرنامه‌های روحانی بخش بسیار مهمی از ادبیات جهان را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان آنچه مربوط به سفر به دنیای دیگر و آگاهی از احوال نیکان و بدان است، همواره مورد توجه بوده است. در پژوهش حاضر به بررسی جایگاه و ارزش زن در ارداویرافنامه و معراج نامه پرداختیم. از پژوهش حاضر نتایج ذیل حاصل گردید:

۱- در ارداویرافنامه بیشتر تاکید بر جنبه‌های مثبت زنان بهشتی از قبیل: مادر بودن، تلاش و از خودگذشتگی، کار کردن، الهه بودن، مسئول بودن و ... است و و از پاداش زنان بهشتی و ترسیم جایگاه آنان سخن می‌رود. ۲- در معراجنامه بیشتر زنان دوزخی و جنبه‌ها و کارکردهای منفی زنان و متعاقباً مجازات آنها به تصویر کشیده است.

۳- به نظر می‌رسد، در معراجنامه به نوعی با ترسیم و توصیف زنان دوزخی، نوعی هشدار و دوری از بدی، مورد توجه قرار گرفته است در حالی که در ارداویراف نامه، نویسنده با ارائه جایگاه مثبت زنان، در پی ترغیب خواننده به انجام امور نیک و پرهیز از ناپاکیهاست.

۵- همچنین دستاورد دیگر پژوهش حاضر این است که در ارداویرافنامه از گناهان زنان و سیمای گناهکاران در جهان پس از مرگ با جزئیات سخن رفته است در حالی که در معراجنامه، فقط به مجازات گناهکاران به صورت مختصر اشاره شده است.

منابع

- ارداویرافنامه، ژینو، فیلیپ (۱۳۷۴)، ترجمه ژاله آموزگار، تهران: معین.
- /ارداویرافنامه، ژینو، فیلیپ (۱۳۷۲) ترجمه ژاله آموزگار، تهران، چ اول، شرکت انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه.
- ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۷) ترجمه رشید یاسمی، تهران، امیرکبیر.
- بررسی وضعیت زن در خانواده و جامعه دوره ساسانی، گلشنی‌راد، کریم، (۱۳۹۰) دوره دوم، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۱.
- تاریخ تمدن، دوران، ویل، (۱۳۹۲) مترجم احمد آرام و دیگران، تهران، نشر علمی فرهنگی، چاپ اول، ج ۱.

- حقوق زن در زمان ساسانیان، بارتلمه، کریستین، (۱۳۳۷)، مترجم ناصرالدین صاحب الزمانی، تهران، نشر عباسی.
- حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، حکیم‌پور، محمد، (۱۳۸۲)، چاپ اول، تهران، نشر نواندیش.
- حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی-سینمایی، (۱۳۶۹) دفتر اول، قبل از اسلام. تهران، امیرکبیر.
- دانته و تأثیرپذیری او از منابع شرقی، آذر، اسماعیل، (۱۳۸۷) تهران، فصلنامه علمی پژوهشی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۱-۳۴.
- رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۸)، تهران، چ ۲، نشر علمی و فرهنگی.
- زن از دیدگاه ادیان و مکاتب، جمعی از مؤلفان (۱۳۷۹) چاپ اول، قم، نشر مضارع.
- زن در خانواده ایران باستان، آموزگار، ژاله، (۱۳۵۶)، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم، شماره دوم.
- سیرو صدر نقاشی ایران، پوپ و دیگران، (۱۳۸۴)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولى
- شاخه زرین، فریزر، جیمز جورج، (۱۳۸۴)، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ دوم، تهران، آگاه.
- شناخت هویت زن ایرانی، لاهیجی، شهلا؛ کار، مهرانگیز (۱۳۷۱)، تهران، روشنگران.
- عهد عتیق، (۱۳۹۴)، ترجمه پیروز سیار، ج ۱، چ ۲، تهران، هرمس.
- کارنامه اردشیر بابکان، مشکور، محمد جواد، (۱۳۸۵)، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم.
- لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۳۴)، تهران، موسسه فرهنگ دهخدا.
- مبانی تاریخ اجتماعی ایران، شعبانی، رضا، (۱۳۶۹) تهران، نشر قومس.
- معراجنامه سفر معجزه‌آسای پیامبر، رزسگای، ماری (۱۳۸۵)، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مطالعات اسلامی.
- نگارگری اسلامی، عکاشه، ثروت، (۱۳۸۰)، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران، حوزه هنری
- نردبان سلوک، اوجاق علیزاده، شهین، (۱۳۸۶) پژوهشنامه ادب حماسی، سال سوم، شماره ۵، صص ۷۹-۱۱۶.
- تمدن اسلامی، ماسه، هانری، (۱۳۴۶) ترجمه عیسی بهنام، چ ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- civilisation of the eastern Iranians in ancient times. Geiger.
w(1885-1886), vol2
london Mental